

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

نگارش و ترجمه از : محمد هارون خیل شعشی

لندن، ۲۰۱۰ میلادی

۱۱/۰۱/۲۶

مبانی حقوق افتراء و آزادی بیان

۱

اهداء

به روح پاک و بلندپدر بزرگوارم، که به آزادی بیان از ته دل احترام می گزارد؛ و به بدگوئی و افتراء به بدترین وجه آن، نفرت می ورزید؛ در حالی که به هیچ مکتب یا پوهنتونی قدم نگذاشته بود، کمتر وکیل تعلیم یافته را در امر دفاع از مؤکلهش به درایت قانونی، پختگی استدلال و روانی کلام او یافتیم.

محمد هارون خیل شعشی

مبانی حقوقی افتراء و آزادی بیان

۱

فهرست

پیشگفتار

آیا می توان هر بیان نادرست را افتراء تلقی کرد؟

افتراء یا تهمت چیست؟

تاریخ افتراء

دروغ گوئی بدخواهانه و مغرضانه

میعارخواننده عادی

انواع حملات بر شهرت و اعتبار اشخاص

تفکیک میان افترای تحریری و شفاهی

افترای جنائی

تفاوت میان افترای مدنی و جنائی

روابط متقابل آزادی بیان و افتراء

آزادی بیان در اسناد بین المللی و قوانین افغانی

افشای عمومی حقایق خصوصی

فرق انتقاد و افتراء با توجه به عناصر متشکله جرم

چگونگی مسأله افتراء در رابطه به مسئولیت مطلق یا مسئولیت جدی

تاثیر آگاهی شخص ثالث بر ماهیت بیانات افتراء آمیز

در چه مواردی ضرورت اثبات خساره واقعی، وجود ندارد؟

مسأله نیابت در قضایای مربوط به افتراء

چه کسی می تواند آماج بیانات افتراء آمیز قرار گیرد؟

نقش تفسیر، انگیزه، کنایه و مکالمه در قضایای مربوط به افتراء

ارجاع به مکالمه مدعی علیه و دریافت خصوصیت انفرادی یا جمعی افتراء

افترای شفاهی، در کدام حالات استثنائی، بدون اثبات خساره، قابل اقامه دعواست؟

۱- انتساب جرم

۲- مریضی زننده و فضحیت بار

۳- وظیفه، تجارت، حرفه یا مقام

۴- بی عفتی

خسارات خاص

مسئولیت ناشی از غفلت و سهل انگاری در موضوعات افتراء آمیز

افتراء در قوانین افغانستان

حالات تبریه (تبرئه) کننده و تخفیف کننده در دعاوی افتراء

الف) امتیاز مطلق

۱- اقدامات قضائی

۲- اقدامات تقنینی

۳- مکاتبات مقامات اجرائی

۴- رضایت معترض

۵- زن وشوهر

۶- نشرات سیاسی

ب) امتیاز مشروط

۱ - منافع ناشر

۲- منافع دیگران

۳- منافع مشترک

۴- مکاتبات و مکالمات با کسانی که به نفع عامه عمل می کند

۵- تبصره منصفانه در مورد موضوعات منفعت عامه

۶- گزارش اقدامات عامه

سوء استفاده از امتیاز مشروط

انصراف مدعی علیه از افتراء وارده

تکلیف اثبات امتیاز در پیشگاه محکمه یا هیأت منصفه

پیشگفتار

هنگامی که نشرات وب سایت های «بینوا» و «تول افغان» بنابر سیاست ضد ملی و ضد مردمی اداره دست نشاندۀ کابل، در قلمرو افغانستان تحریم گردید، هموطنان آگاه و بادر مابا نشر پیام های اعتراضی از گوشه و کنار مختلف جهان، در حمایت از این مراکز اطلاعاتی و فرهنگی خویش صف بستند. من نیز به عنوان یکی از همکاران سابقه دار «بینوا» با نشر مضمونی، احتجاج شدید خود را در برابر این خودسری و فرهنگ ستیزی اربابان زور در حکومت فاسدوبی کفایت کابل، ابراز داشتم.

در میان حامیان و هواداران وب سایت «بینوا» یکی از نویسندگان و تحلیلگران مصلحت اندیش، که از معرفی شهرتش در اینجا صرف نظر می شود، ضمن تبصره ای بر جوانب حقوقی تحریم نشرات «بینوا» در افغانستان، از

اقدام «بینوا» مبنی بر نشر خبر مرگ قسیم فهمیم، معاون اول اداره تحمیلی کابل، به عنوان افترائی یادآوری نموده، که برای حل و فصل آن باید از کمیسیون رسانه های همگانی کشور، استمداد به عمل می آمد.

بلی! نویسنده گرامی ماکاملاً درست و به جا فرموده، که به منظور تدقیق و بررسی تخطی های احتمالی رسانه های همگانی کشور باید به عوض گرفتن قانون در دست خود و امر به تحریم فعالیت های رسانه های گروهی، از کمیسیون با صلاحیت رسانه های همگانی درین زمینه استمداد جست؛ اما انتشار خبر مرگ قسیم فهمیم، جنگسالار بدنام و سیاهکار، توسط «بینوا» را به هیچ وجه نباید افتراء یا بهتان نام گذاشت؛ زیرا برای ارتکاب جرم یا شبه جرم افتراء، به معنای حقوقی آن، تحقق پاره ای عناصر متشکله شرط حتمی و لازمی است، که در انتشار خبر مرگ آن آدمکش و ویرانگر معلوم الحال، به مشاهده نمی رسد. برای رفع این اشتباه و مغالطه تیوریک از یکسو و فراهم آوری معلومات نسبتاً مفصلتر در خصوص سایر پهلوه های حقوقی و سیاسی این مسأله خطیر از سوی دیگر، بر آن شدم تا یادداشت های متفرق خود در باره این موضوع را به شکل رساله ای ترتیب و تقدیم نمایم؛ چه تا جائیکه بر نویسنده این سطور هویداست، در کشور عزیز ما آثار و نوشته های فراوانی در مورد حقوق افتراء و رابطه آن با حق آزادی بیان، به چشم نمی خورد. متأسفانه واضعان قوانین کشور نیز تا حال نتوانسته اند از طریق دسته بندی دقیق جرایم علیه شهرت و نیکنامی اشخاص و پیشبینی احکام صریح در باره تعریف، عناصر متشکله، انواع و حالات گوناگون افتراء، از مشکلات روز افزون درین گستره، جلوگیری به عمل آرند.

آزادی بیان حق مهم و اساسی هرانسان است. ازین رو، سالها قبل به عنوان یک حق خطیر و ارزشمند بشری در اسناد و وثایق معتبر حقوق بین المللی و ملی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپائی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی... قوانین اساسی، قوانین رسانه های همگانی و سایر قوانین ذیربط کشورها تسجیل یافته است؛ اما تسجیل و تضمین چنین حق ارجناک و جداناپذیر انسانی در اسناد با اعتبار ملی و بین المللی، هیچ کس را حق نمی دهد، که از آزادی بیان و نوشته علیه حیثیت و اعتبار اشخاص حقیقی و حکمی یا امنیت و منافع قانونی دولت ها، استفاده به عمل آرد. روی این ملحوظ، درنگارش و ترجمه این رساله، به علاوه توضیح اساسات و پهلوه های مختلف افتراء در پرتو سیستم حقوقی کامن لا، بر اهمیت حق آزادی بیان و موانع قانونی آن نیز مکت مختصری صورت گرفته، که می تواند راهنمای خوب و موثری در حل و فصل قضایای مربوط به افتراء و وضع قوانین آینده درین عرصه، به حساب آید.

درنگارش و ترجمه این اثر کوچک و ناچیز، حسب توان سعی و تلاش به عمل آمده، که مسایل غامض و بغرنج حقوقی به زبان ساده و عام فهمی ارائه گردد تا باشد که نه تنها کارمندان ادارات عدلی و قضائی و محصلان حقوق و علوم سیاسی، بلکه خبرنگاران و گزارشگران جوان رسانه های همگانی کشور نیز از محتویات آن در امر شناخت و رعایت هر چه دقیقتر حقوق افتراء و حق آزادی بیان، استفاده اعظمی برند.

محمد هارون خیل شعشی

لندن، ۲۰۱۰ م

آیا می توان هر بیان نادرست را افتراء تلقی کرد؟

در جهان مطبوعات و رسانه های شتابنده عصر کنونی، گاهگاه با خبرها، تبصره ها و گزارشهایی روبرو می گردیم، که موضوعات مطروح در آن از صحت و دقت لازم برخوردار نمی باشد. با آنکه پخش چنین شایعات و اکاذیب، نه تنها به حیثیت و اعتبار شخصی گویندگان و نویسندگان، بلکه به شهرت مؤسسات خبرگزاری و نشراتی آنان نیز شدیداً لطمه می زند، اما باوجود آن هم نمی توان هر شایعه و دروغ پراگنی را افتراء یا تهمت عنوان گذاشت؛ چه در اصول و قواعد حقوقی مربوط به افتراء، نشر و پخش هر خبر نادرست تهمت یا افتراء تلقی نمی گردد. مطابق به قواعد حقوقی عموماً پذیرفته شده افتراء، یک شایعه یا بیان نادرست زمانی تهمت یا بهتان پنداشته می شود، که عملاً شهرت و نیکنامی شخصی را خدشه دار بسازد. ازین رو، یک ادعای نادرست و بی اساس صرف به دلیلی تهمت یا بهتان قلمداد نگردیده، که از واقعیت یا درستی میراست، بلکه از این سبب تهمت یا افتراء به حساب آمده، که حیثیت و اعتبار شخص مورد اتهام را نزد همشهریان درست اندیش جامعه، تقلیل و تنزیل می بخشد. به عبارت دیگر انتشار اطلاعات نادرست درمورد خصوصیات زندگی یا رفتار و کردار یک شخص؛ مانند ذکر تاریخ های نادرست، یادآوری و تشریح ملاقاتهای ناموجود، انتساب صفات نادرست و غیره، گرچه زشت و نفرت انگیز جلوه نموده؛ اما با آن هم نمی توان از افتراء به معنای حقوقی کلمه، صحبت به عمل آورد. برای آنکه چنین خبرها و بیانات نادرست، منتج به تهمت یا افتراء علیه شخصی گردد، لازمست تا در همچو نادرست گوئی ها و افواهات «نیش یا غرضی» نهفته باشد؛ مثلاً در باره یک کشیش ایرلندی بادروغ گوئی نشر گردد، که او در باره اعضای آی. آر. ای- لشکر جمهوری خواه ایرلند شمالی (سازمان انقلابی که از سالیان متمادی بدینسو جهت تأسیس جمهوری ایرلند، علیه حاکمیت انگلیسها مبارزه مسلحانه می نماید؛ ولی مقامات دولتی انگلستان از آن به عنوان یک سازمان دهشت افکن و خرابکار تذکر به عمل می آورد) به حکومت انگلستان مخبری کرده است. درکشورما دروغ پراگنی ها و شایعه پردازی های اعضای گروه های بدنام جنگی، سیاسی و مذهبی علیه مجریان برنامه های ملی گرای شبکه های جهانی تلویزیون (تلویزیون) های افغانی یا نویسندگان، مفسران و اندیشمندان میهن دوست سایت های گوناگون اینترنتی رانیز می توان در همین دسته بندی قرار داد. هرچندبیانات و نوشته های افشاءگرانه ژورنالیستان و نویسندگان متعهدگاهگاه منجر به سوء قصدها، تهدیدها یا انواع دیگری صدمات جانی و مالی به آنها گردیده، لیکن با آن هم دروغ پراگنی ها و شایعات گروه های بدنام جنگی و سیاسی علیه شهرت و نیکنامی آنان وصف افتراء یا تهمت به خود نگرفته؛ متضررین آن را مستحق جبران خساره نمی سازند؛ زیرا درین گونه قضایا اکثرأ استدلال می شود، که نگاه نامساعد اعضای گروه های بدنام جنگی، سیاسی، مذهبی و سایر مخالفین مغرض نسبت به حیثیت و اعتبار اشخاص در واقع به جای صدمه رساندن به شهرت و نیکنامی آنان، باعث افزایش محبوبیت چنین اشخاص نزد مردم درست اندیش جامعه می گردد. از آن جا که درحقوق افتراء، نه طرز دید یک دوشخص غرض آلود، بلکه نظر عموم افراد جامعه به مثابه معیار و ملاک حقیقت پذیرفته می شود، ازین رو در همچو حالات نمی توان از ارتکاب جرم افتراء به معنای دقیق کلمه حرف زد (جیفری رابرتسن و اندرو ج. ل. نیکل ۲۴).

برای آنکه از اقامه دعوا به خاطر تعقیب افتراء نتیجه ای به دست آمده بتواند، لازمست تا بیان یا نشریه افتراء آمیز از شخص معینی (معترض) تذکر به عمل آرد؛ یا بیان افتراء آمیز به شکلی ارائه گردد، که مردم عادی جامعه

بدانند، بیان یادشده به چه شخصی ارتباط می گیرد؛ به طور مثال اگر منتقد رستورانها در نوشته یا بیان خود ادعا نماید، که در فلان ناحیه شهر یک رستوران ایتالوی پر از شپشه‌است؛ و طبق معلومات موثق برملا گردد، که در آن ناحیه یا محله شهر صرف یک رستوران ایتالوی مصروف کار و فعالیت بوده است، در آن صورت می توان منتقد مزبور را مورد بازخواست قانونی قرار داد؛ مگر آنکه ثابت سازد نوشته یا گفتارش واقعیت داشته است . اگر منتقدی می نویسد، در فلان ناحیه یا فلان محله شهر هر رستوران ، مشتریانش را در صورت حساب (بیل) خود فریب میدهد؛ و در آن ناحیه یا محله شهر رستورانهای فراوانی مصروف کار و بار باشد، آنگاه محکمه به صدور فیصله ای خواهد پرداخت، که مبتنی بر آن بیان افتراء آمیز یاد شده به عنوان انتقاد دارای خصوصیت عمومی پنداشته شده، که به شهرت و اعتبار هیچ شخصیت حقیقی یا حکمی خدشه ای وارد نمی کند. بنابراین، هیچ رستوران انفرادی دلیلی برای اقامه دعوا جهت اعاده حیثیت و جبران خسارات وارده نخواهد داشت .

افتراء یا تهمت چیست؟

افتراء در عرصه نشرات، عبارت از نشر خبر یا بیانیست، که مردم معقول و معزز جامعه مبتنی بر آن در باره شخص مورد اتهام، احساس اهانتبار و حقارت آمیز نمایند. محک و معیار اصلی درین زمینه « تنزیل مقام شخص مورد افتراء نزد مردم درستکار جامعه به طور عموم » تلقی می شود. بدین معنی، که انتشار شایعات نادرست باید شخصیت معترض را معروض به توهین و استهزای نفرت انگیز مردم ساخته؛ باعث تمایل آنان در دوری و گریز از وی شده؛ بدین وسیله شهرت و اعتبارش را خدشه دار سازد. از نظر برخی حقوقدانان، افتراء به طور عنعنه ئی بر نوشته ای اطلاق می شود، که فردی را بدنام ساخته؛ در معرض تنفر، توهین و استهزای دیگران قرار دهد. درباره مفهوم حقوقی افتراء، میان صاحب نظران این رشته مباحثات فراوانی صورت گرفته است . با توجه به نظرات و اندیشه های حقوقدانان، امروزه از افتراء به حیث عملی تعریف می گردد، که حیثیت و اعتبار شخصی را نزد مردم درست اندیش جامعه، به صورت عموم، کاهش بخشد. این تعریف اکنون در قوانین افتراء، که نمایندگی از قضایای اخیر درین بخش حقوقی رانموده، نیز مورد پذیرش قرار گرفته است (سمیت و هوگن ۷۳۵).

باید خاطر نشان کرد، که درین جاسؤال احترام و نیکنامی شخص به عنوان یک کارگر، کارمندان عامه، رئیس یک شرکت تجاری، یک شخص مسلکی و صاحب حرفه، یک هنرمند، ممثل و غیره مطمح نظر بوده، نه شخصیت معترض به عنوان یک انسان؛ مثلاً وارد کردن اتهام ناتوانی در نواختن هارمونی، طبله یا هر آله دیگر موسیقی علیه افراد عادی جامعه، منجر به تنزیل حیثیت و صدمه به شهرت نوازنده آن در انتظار عامه نخواهد گردید؛ مگر آن که چنین اتهام در برابر نوازندگان مسلکی و صاحب جاه و مقامی عنوان گردد، که از اثر آن به شهرت و اعتبار مسلکی شان در جامعه صدمه بزرگی وارد می گردد. اگر گفته شود احمد، محمود، عبدالله و غیره ذالک در انتخابات گذشته، به کاندیدان بدنام گروه های جنگی در کشور رأی داده بودند، این بیان هیچگاه افتراء یا تهمت تلقی نمی شود؛ چه همه آنها افراد عادی جامعه بوده، که با عنوان کردن چنین بیانات، ولو ناشایسته و غیر موجه، به شهرت و اعتبار شان در میان مردم، آسیبی وارد نمی گردد؛ ولی هرگاه چنین بیانی درخصوص یکی از اعضای شورای ملی یا یکی از شخصیت های معروف و صاحب اعتبار ملی مطرح بحث قرار گیرد، در آن صورت می توان از افتراء یا بهتان به مفهوم حقوقی آن صحبت به عمل آورد؛ زیرا این گونه بیانات در واقع نمایانگر دو روئی و عوامفریبی چنین اشخاص بوده؛ و با آسانی می تواند شهرت و پرستیژ شان را نزد هموطنان،

مخدوش سازد. به همین ترتیب، اگر کسی ادعا کند که احمد، محمود و فلان و بهمان، به عنوان افراد عادی جامعه، آرای شان را در بدل پول فروختند. این اتهام، ولو زننده و نادرست، به حیثیت آنان در میان مردم همطراز و همقطار شان خدشه ای وارد نخواهد کرد؛ چه مردم عادی جامعه با توجه به شرایط ناگوار سیاسی و اقتصادی و وجود فساد چندجانبه در روند برگزاری انتخابات، نه تنها توسل به چنین عمل زشت و نامعقول را به حیث عمل نادرست تلقی نکرده، بلکه آن را موقع مناسبی برای به دست آوردن چندقرانی از جیب اربابان زور و زرخواهند دانست؛ اما اگر چنین اتهام در برابر یک دانشمند نامدار، یک شخصیت ملی گرای سیاسی، اجتماعی یا مذهبی کشور مطرح شود، آنگاه بدون شک می توان از افتراء به معنای حقوقی کلمه بحث به عمل آورد؛ زیرا بیانات و ادعاهای ازین دست بر تمامیت علمی، فرهنگی، سیاسی و ملی این گونه شخصیت ها حمله آشکار نموده؛ نه تنها باعث آبرو ریزی و کسر شان، بلکه موجب تنفر و انزجار مردم از آنها نیز می گردد؛ چه می دانیم که محک و معیار همقطاران و همطرازان این گونه اشخاص از محک و معیار مردم عادی به کلی تفاوت دارد. بدون شک، مردم نیک کردار و درست اندیش جامعه همواره از نخبگان و پیشتازان علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خویش توقعات بلند بالائی دارند. ازین جهت، افتراء ناچیز و کوچکی نیز می تواند، حیثیت و اعتبار حساس این دسته اشخاص را تا سرحد جبران ناپذیری، خدشه دار نماید (جیفری رابرتسن و اندرو ج. ل. نیکل ۲۷).

علی رغم این همه تعریف ها و نکته سنجی ها در باره افتراء، پروفیسور پروسر - حقوقدان نامدار و صاحب نظر امریکائی- در اثر معروفش موسوم به «حقوق خطاها» ضمن بحث درخصوص افتراء چنین می نویسد: «باید اعتراف کرد، که بخش اعظم حقوق افتراء اصولاً مفهومی ندارد؛ زیرا در برگیرنده تناقضات و بیهوده گوئی هایست، که هیچ نویسنده حقوق برای آن کلمه خوب و پرلطفی نداشته است» (پروسر ۷۳۷).

البته اظهارات پروفیسر پروسر، به خودی خود مبین وضع پیچده و بغرنجیست، که حقوق افتراء از آغاز پیدایش تا حال، با آن مواجه بوده است. این ابهامات و پیچیدگیها نه تنها ناشی از اصول و قواعد نسبتاً متفاوت درسیستم های حقوقی کشور های مختلف، بلکه ناشی از نظرات، برداشت ها، برخوردها و رویه های گوناگون نیست، که در موضوعات مربوط به حقوق افتراء، درسیستم های مختلف حقوقی از آن جمله حقوق تعاملی، وجود دارد.

به هر حال، درحقوق افتراء تشخیص این امر که بیانات و انتشارات ادعا شده، حاوی موضوعات افتراء آمیز بوده یا خیر، بستگی به استنباط مردم متوسط یا مردم درستکار و نیک اندیش جامعه از محتویات آن بیان یا برنامه منتشره دارد. درین خصوص اصول وقواعد ثابتی وجود ندارد. بنابراین، قضات و هیأت منصفه نیز (بدون کدام مشکلی) خود را در قالب مردم درست اندیش جامعه قرار داده، از خود می پرسند، که آیا بیان یا نوشته مورد نظر، به راستی حیثیت و اعتبار معترض را آسیب رسانده یا خیر؟ ازین رو، سپردن اطلاعات به پولیس یا سایر ارگانهای حراست امنیت ملی در باره جرم ارتكابی معترض، به مثابه عمل افتراء آمیز تلقی نمی گردد (جیفری رابرتسن و اندرو ج. ل. نیکل ۲۷-۲۸).

ادامه دارد